

حضرت عبدالعظیم حسنی، یادگار امام حسن (علیه السلام) در ری

ایران، این سرزمین پرگهر بر خود می‌بالد که در دل خود، یادگارانی از نوادگان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولاد علی (علیه السلام) دارد که مزارشان، مرکز شیفتگان و زایران کوی ولاست. حریم کبریایی حضرت رضا (علیه السلام) در خراسان، بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم، بارگاه قدسی حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) (شاهچراغ) در شیراز از جمله این مقابر پر از عطر معنویت و قرب به آستان اهل بیت (علیهم السلام) است.

در این میان «ری» خطه ای که از دیرباز مهد پرورش و فروغ گستر چهره های نورانی به ساحت علم و دین بوده، از این موهبت بی نصیب نبوده است و مفتخر است که سالیان طولانی، آشیانه و قرارگاه نوادگان رسول خدا (سلام الله علیهم) بوده است. عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)، نواده امام مجتبی (علیه السلام) از جمله این گهرهای پاک و نورانی در «ری» است.

نسب وی به چهار واسطه به امام دوم شیعیان، امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌رسد. پدر او عبدالله فرزند علی، فرزند حسن، فرزند زید، فرزند حسن بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) است. متأسفانه از تاریخ ولادت گوهر درخشنده «ری» اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی آنچه که برخی از مورخان بر آن پای می‌فشارند این است که وی در زمان امام موسی بن جعفر (علیه السلام) حیات داشته است.

از افتخارات عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) این است که وی محضر سه امام معصوم، امام جواد (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام عسگری (علیه السلام) را درک نموده و از ایشان روایت نموده است.

از وی یک پسر به نام محمد و یک دختر به نام سلمه (1) به یادگار ماند که قبر محمد در یک فرسخی سامرا واقع است.

با نگاهی به اخبار درباره وی، این نکته به دست می آید که وی مورد مهر و علاقه و محل اعتماد و اطمینان ائمه بوده است، چنان که در روایتی امام هادی (علیه السلام) به ابوحامد رازی می فرماید: «اگر برای تو مشکلی در دین پیش آمد، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان» (2).

دلیل این علاقه و محبت امامان معصوم به او این بوده که وی بر خلاف بعضی از اسلاف و بنی اعمام خود در مقابل امامان معصوم زمان خویش بسیار خاضع و خاشع و اطاعت از ایشان را واجب می دانسته و سرپیچی نمی کرد.

این یکی از ابعاد بزرگ شخصیتی عظیم عبدالعظیم است که بروز و تجلی این روحیه، عرضه دین به امام هادی (علیه السلام) است. هنگامی که عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) خدمت امام هادی (علیه السلام) شرفیاب می شود، آن حضرت هنگامی که او را می بیند، می فرماید:

«مرحبا به تو ای ابوالقاسم؛ تو به حق دوست مایی». عبدالعظیم عرضه می دارد که می خواهم دین خود را عرضه کنم تا اگر پسندیده است تأیید فرمایید. حضرت اجازه می فرماید و عبدالعظیم عقاید خود را بیان می کند، سپس امام می فرماید: «ابوالقاسم، به خدا این دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است؛ بر آن پایدار باش. خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد» (3).

دیگر از افتخارات عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) فرمایش امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شخصیت اوست که حضرت فرمود: «اگر عبدالعظیم نبود، می گفتم هر آینه علی بن حسن بن زید بن حسن فرزندی از خود باقی نگذاشت» (4).

سرشارترین و حساس ترین مقطع حیات عبدالعظیم (علیه السلام)، دوران امام هادی (علیه السلام) بود که آخرین بار که به دیدار امام شرفیاب شد، حضرت به او دستور داد که از عراق هجرت کند و به ری برود. علت این دستور سختگیری خلفای عباسی نسبت به خاندان پیامبر و شیعیان ائمه بود

که کار را به جایی رساندن که در دوره متوکل چندین بار مزار سید الشهداء (علیه السلام) را ویران کردند. از این رو عبدالعظیم (علیه السلام) به دستور امام هادی مخفیانه به ری هجرت کرد.

در ری در منزل یکی از شیعیان ساکن شد و در سرداب خانه اقامت کرد. او روزها را روزه می گرفت و شب ها را به نماز می ایستاد و گاهی اوقات از مخفیگاه خود بیرون می آمد و به زیارت قبر حضرت حمزه می رفت.

آن یادگار امام مجتبی (علیه السلام) تا آخر عمر در ری ماند و منشأ برکات بسیاری برای شیعیان ائمه شد و بالاخره در 15 شوال سال 253 هجری قمری (5) رحلت کرد.

سه قول درباره نحوه درگذشت او در تاریخ وجود دارد: برخی مرگ او را طبیعی دانسته، برخی دیگر آن را بر اثر زلزله برشمرده اند و در قولی دیگر درگذشت وی به وسیله زنده به گور کردنش به وسیله دشمنان رخ داده (6).

شیخ صدوق می نویسد: پس از درگذشت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) مردی بر ابوالحسن علی بن محمد هادی (علیه السلام) درآمد. امام (علیه السلام) از او پرسید کجا بودی؟ گفت: به زیارت حسین (علیه السلام) رفته بودم. فرمود:

«اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می کردی، چون کسی بودی که قبر حسین را زیارت کرده است» (7).